

نقش عشق در ایجاد رضایت زناشوئی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

: قاری، عادل، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور

: نقش عشق در ایجاد رضایت زناشویی/مولفین عادل قاری، راضیه اسفندیاری.

مشخصات نشر

: تهران: سنجش و دانش، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری

: ۶۷ ص.

شابک

: ۱۸۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۹-۰۳۹-۳

وضعیت فهرست نویسی

: فیا

موضوع

: عشق

موضوع

: Love

موضوع

: زناشویی -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع

: Marriage -- Psychological aspects

شناسه افزوده

: اسفندیاری، راضیه، ۱۳۶۰ -

رده بندی کنگره

: ۷۵B : ۱۳۹۶ ۱۵ اق ۵ع

رده بندی دیویی

: ۴۱۰۱۵۲

شماره کتابشناسی ملی

: ۷۰۴۶۲۰

نقش عشق در ایجاد رضایت زناشویی

مولفین:

: ۱۵۰ - راضیه اسفندیاری

ناشر:

: انتشارات سنجش و دانش

تیراژ:

: ۵۰ نسخه

نوبت چاپ:

: ۱۳۹۶، اول

شابک:

: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۹-۰۳۹-۳

قیمت:

: ۱۸۰۰۰ تومان

آدرس: خ دانشگاه - تقاطع روانمهر - ساختمان سنجش و دانش پ ۱۲۶

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

۱۰.....	عشق و جنس از نظر فروم.....
۱۱.....	عشق پدر و مادر و فرزندان.....
۱۵.....	معشوقها.....
۱۶.....	عشق برادران.....
۱۷.....	عشق مادرانه.....
۱۸.....	عشق جنسی.....
۲۰.....	عشق به خود.....
۲۱.....	عشق به خدا.....
۲۲.....	رابطه عشق و دوستی.....
۲۶.....	معنای عشق.....
۲۷.....	تعاریف عشق از سوی اندیشمندان.....
۳۸.....	تفاوت در شناخت عشق از سوی دختران و پسران (زنان و مردان).....
۳۹.....	عشق نیاز.....
۵۱.....	پنج افسانه مهلک در باره عشق.....
۵۵.....	ازدواج.....
۵۶.....	تعریف روان شناسی ازدواج.....
۵۷.....	دلایل ازدواج از دیدگاه استاد «محمدآل اسحاق».....
۵۸.....	ریشه های ازدواج.....
۶۱.....	عوامل استحکام و دوام ازدواج.....

به نام خدا

من در عشق آینه ای می یابم عاشق و معشوق آینه ی یکدیگرند و انعکاس عشق آنها را نهایتی نیست. عشق پدیده ای آموختنی است و من فکر میکنم که جامعه شناسان ، انسان شناسها و روانشناسها هم بی هیچ تردیدی همین را میگویند .

عشقا تویی سلطان من از بهر من داری مزن روشن ندارد خانه را قندیل ما آویخته قبل از آنکه آدمی بتواند دیگری یا دیگرانی دوست بدارد ، نخستین مسئولیت او در عشق نسبت به خویشتر است . مواره چنین بوده و همیشه چنین خواهد بود. این گفته اینجیل مقدس که همسایه خوب را به مانند خود دوست بدارید پیش فرض عشق و مهر به خویشتن است بدین مفهوم که آدمی به دیگران به اندازه ی مهر خواهد ورزید که خویشتن را دوست دارد . آدمی به همان عشق و وسعتی که نسبت به خویشتن در عشق به خویشتن احساس مسئولیت می کند. دیگران را در رسیدن به این مهر یا محبت می رساند همه آدمیان بیش و کم به یکدیگر وابسته و مرتبطند و هر انسانی که بر فردی دیگر تر شود در واقع قدمی برای نزدیکی به دیگران بر می دارد. آلبرت شوانیز به تکرار گفته است ما روزیکه در جهان انسانی گرسنه و بیمار یا تنهات در هراس به سر می برد مسئولیت را بر عهده من است. (نویسنده کتاب)

شوانیز آنچه را که می گفت با عمری زیستن با این باور ثابت نمود عمری با والاترین تربیت با برترین رضایت خاطر با بزرگترین شادمانی با ارجمندترین عزت و احترام و بنابراین با

افراشته ترین و سرافراز ترین عشق همه ی ما نسبت به خود و دیگران تا اندازه ایی احساس مسئولیت را می شناسیم و می پذیریم حقیقی است انسان بودن یعنی مسئول بودن .

بسیاری از آدمها حتی در قبال خویشان نمی توانند مسئولیتی را بپذیرند چه رسد به آنکه بخواهند در قبال خود یا افرادی مسئول باشند و به همین دلیل این ایده که در قبال خانواده و بطن مسئول باشند و در نظر ایشان مقوله ایی غیر قابل تصور ، غیر واقع بینانه و پوچی آرمان گرایی است و قوی عشق به حقیقت مسئول باشد وظیفه آدمی است همه را دوست بدارد انسان چاره ای جز پذیرش این وظیفه ندارد . چراکه اگر دیگران را دوست نداشته باشد راههای انتخابی اش به تنهایی ، ویرانی و یأس منتهی می گردد. پذیرفتن این مسئولیت به مفهوم درگیر شدن در سبک خویش در راه فرایند یاری رسانیدن بر دیگران تا عشقشان را از طریق او تشخیص دهند و بشناسند. به زبان ساده رفتار مسئولانه در مقوله ی عشق یاری به دیگران است برای دوست داشتن که اگر بخواند ، که تو عشق وجود خویشان را بشناسی و دریابی باید دوست بدارند.

آدمیان هر یک به طریقی به این مسئولیت در قبال عشق نزدیک گشته اند ، اما هدف همیشه یکی بوده است .

عشق : بعضی عشق را بادر گیری عمیق انسانی یا ادمی دیگر آغاز می کنند از این در گیری به این نتیجه میر سند که عشق نمی تواند اعضانگر باشد انها می آموزند که لازمه روئیدن عشق از حان گوناگون افراد بی شمار و کشف کوره راه های متفاوت است. آدم دیگری به تنهایی نمی تواند این همه را به او ارزانی دارد پس او باید عشق خود را وسعت بخشد تا

همه ی بنی آدم را شامل می گردد هر چه عشق او فراگیر تر و فراختر باشد زیستن و رویش او در عشق بیشتر خواهد بود.

عشق به بشریت ثمده رشد عشق به یک فرد است در یک آدم به همه ی آدمیان. هربرت اتومی گوید: تنها در یک رابه طولانی برای عشق این امکان وجود دارد که عمیق تر و پیر بار تر شود به گونه ای که همه زندگی ها در بر گیرد و جامعه گسترش یابد زیرا تنها یک رابطه عمیق است که می تواند از عمق عشق ها حجاب بر گیرد. رفعت انسانی را آشکار سازد به مفهوم به خطر انداختن جسم عواطف ماست انگاره های عادی کهنه را کنار گذاردن به جای آنها را با عادت های تازه عوض کردن قدرت بیان امیال و خواسته هایمان در عین حساسیت نسبت به نیازهای آن دیگری به دوستش داریم آگاهی از آن که هر یک از ما به میزان توان خویش دگرگون می شود و این توان کمک در وقت نیاز هراسی به دل راه نمی دهد. دیگرانی هم هستند با این احساس که هر چه بی که تر از عشق به همه آدمیان را نمی توان عشق خوانده بر این اعتقادند آنکس که نمیتواند همه آنانها دوست بدارد نمی تواند حتی یک نفر را عمیقاً دوست بدارد چرا که بنی آدم اعضای یک مجموعه اند. دوست داشتن همه انسان ها به معنی دوست داشتن تک تک آنهاست. آنچه مربوط به آدمی است عبارت است به خصوص از دوباره نزدیک شدن او به طبیعت و داشتن ایمان و آرمان هایی که برتر از اغراض و هدف های خود خواهانه و مخصوصاً بر پایه محبت و عشق استوار بوده باشند. فرام معتقد است که آدمی زندگی آشفته خود را با توانایی که به دوست داشتن و مهر ورزیدن دارد میتواند سرو سامان ببخشد تمام بشیریت تشنه محبت و عشق است، اما مورد محبت بودن

مهم تر از مهر وریدن نیست. نیازمندی به مهر ورزیدن و مورد مهر بودن متقابل (دوجانبه) هستند و در محبت یا عشق چهار جزء یا عنصر اصلی وجود دارند که عبارت از: مراقبت، مسعولیت، احترام و معرفت. این چهار عنصر باهم همبستگی دارند و هیچ یک از آنها ز هیچ یک دیگر مهمتر نیست.

فرام محبت یا عشق را پنج مورد میداند بدین قرار:

- ۱- محبت برادرانه به ار هر عشقی اساسی تر، نیرومند تر و عمیق تر است.
- ۲- محبت مادرانه که نسبت به درماندگان و نیازمندی که آرزوی بهبود وضع خود را دارند اعمال میشود.
- ۳- محبت جنسی- یا عشق به معنی محدود کل، که معمولاً با آفرینش جنس همراه است. فرام تردید دارد به این که این نوع عشق یا شریک جنس با عشق واقعی ارتباط داشته باشد. زیرا عشق حقیقی ارتباط نزدیکی قلبی است و هیچ حاجت زیستی و لذت جنسی.
- ۴- خود دوستی که با خود پرستی فرق دارد و منافاتی با دیگر دوستی نیست، بلکه لازمه آن است: تا کسی خود را دوست ندارد نمی تواند دیگران را دوست بدارد.
- ۵- عشق به حق یا پروردگار عالم که دارای عالیتترین ارزش و دوست داشتنی ترین چیز هست و بطور کامل مستلزم مراقبت و مسعولیت و احترام، و به خصوص معرفت است. این عشق برای زندگی ضروری است. زیرا آدمی باید کمالی را در نظر بگیرد و آرزوی وصول به آن را در سر بپر و راند تا به پیشرفت و حل مشکلات خود نا ثل آید.

حاصل اینکه، اعتقاد فرام، از میان همه توانائی های بالقوه ونهفته آدمی و جنبه های انگیزشی و تحرکی رفتار او، عشق به احتمال قوی فعالترین آنه بود- و همیشه خواهد بود. باری بودن عشق آدمی نمی تواند زندگی رضایت بخشی داشته باشد. (از کتاب)

عشق و جنس از نظر فروم

مسئله تمایز دو قطب مذکر و مونث بحث دیگری را در مورد عشق و جنس بر می انگیزد. فروید با اشتباه در گفته های خود بیان میکرد و عشق را اختصاصا تجلی یا والایش غریزه جنسی میدید و تشخیص نمی داد که میل جنسی فقط تظاهری از احتیاج به عشق و وصل است. ولی اشتباه فروید به این جا ختم نمیشود، او در ضمن فلسفه مادی فیزیولوژیکی خود غریزه جنسی^۱ را تنشی میداند که اثر جعل و اتصالات شیمیائی در بدن به وجود می آید و در نتیجه عنصری درد ناک میشود و گاهی جیوید تا التیام پذیرد هدف تمایلات جنسی از میان بردن درد ناشی از این تنش است و ترسناکی جنس آنگاه دست میدهد که این درد از میان رفته باشد این نضر فقط تا حدی معتبر است که نشان دهد میل جنسی نیز مانند تشنگی گرسنگی به هنگام احتیاج باید ارضاء شود. بنابراین مفهوم میل جنسی فقط یک سوزش التهاب اثر است و ارضاء میل جنسی نیز از بین بردن این سوزش است. فروید را به خاطر ارزش زیاد از حدی که وی برای مسائل جنسی قائل است انتقاد کرده اند انگیزه این انتقاد تمایل به حذف آن قسمت از نظام فروید بود که مردم کهنه پرست را به

۱. Sullivan The isn ter personal Theroy of pcychia tre ww.Nirton and co ۱۶۵۳